

بازنمایی مضمون آیینی شام آخراز دیدگاه هنرمندان معاصر

سمیه صفاری احمدآباد

1. دانشجوی دکتری فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد واحد تهران

مرکز، ایران ([saffari\\_somayeh@yahoo.com](mailto:saffari_somayeh@yahoo.com))

## بازنمایی مضمون شام آخراز دیدگاه هنرمندان معاصر

### چکیده

مضمون شام آخر توسط هنرمندان فراوانی مورد بررسی قرار گرفته است، که در هر بازنمایی شاهد بازتاب الهیات معاصر هنرمند و سبک هنری ایشان هستیم، به عنوان مثال در قرون وسطی بیشتر جنبه معنوی آن مد نظر بوده، حال آنکه از دوره ی مدرن به بعد این مضمون از بنیاد درگیر چالش می گردد که ریشه ی آن در تقابلات فلسفی مدرنسیم است، لذا هدف اصلی این پژوهش تحقیق در زمینه ی نگرش هنرمندان معاصر به مضمون شام آخر در راستای چندپارگی های فرهنگی، اعتقادی، طبقاتی، نژادی به همراه واقعیت های بشر معاصر است. بر این اساس به منظور روشن نمودن ضرورت مطلب، با تحلیلی شمایل نگارانه مضمون شام آخر در آثار چند هنرمند دوره ی معاصر مورد بررسی قرار می گیرد. سرانجام به عنوان یافته ها و نتایج این تحقیق به این مهم اشاره می گردد که نقاشی های معاصر از شام آخر در راستای به چالش کشیدن این مضمون دینی در جهت برجسته کردن بحران های بشر معاصر مورد استفاده قرار می گیرد.

واژه های کلیدی: شام آخر، نگرش مذهبی، هنرمند معاصر

## Representing the content of “The last supper” from the perspective of contemporary artists

Somayeh Saffari

Department of Art , University of Islamic Azad, Tehran, Iran  
(saffari\_somayeh@yahoo.com)

### Abstract

The content of “the last supper” has been considered by many artists, and in each representation we see their contemporary theology and artistic style. For instance, in medieval era, its divine aspect was more considered, but nowadays, from modern era afterward, this concept fundamentally involves with challenges stemming from philosophical confrontation of modernism. Therefore, this study is mainly aimed at examining the attitude of contemporary artists about the content of “the last supper” aligned with cultural, ideological, classic, racial fragmentation, as well as realities of contemporary human beings. On this basis, in order to clarify the emergence of the topic, the content of “the last supper” is analyzed in artworks of some contemporary artists with an iconographical look. Finally, in reviewing findings and as a conclusion for the study, it is noted that contemporary paintings use “the last supper” in order to challenge this theological content for highlighting crises facing contemporary human beings

**Keywords:** the last supper, theological look, contemporary artist

## مقدمه

عنوان شام آخر آشکارا یک بار مذهبی را بر دوش می کشد که پایه ی آن در مراسم عشای ربانی مسیحیت است ، البته این عنوان ریشه ای دیرینه تر از مسیحیت دارد، اما محور اصلی این پژوهش بررسی جنبه ی تاریخی این مفهوم نیست ، بلکه با رویکردی تحلیلی و تاکید بر آثار هنرمندان معاصر ی که عنوان شام آخر را بر آثار خود نهاده اند، شرایط اجتماع و فضای سیاسی دوره ی هنرمند ونگرش آنها به دین، مورد بررسی قرار می گیرد. تا قبل از قرن بیستم این نگاره حالتی از بازنمایی تکراری را به خود گرفته و این امر سبب شده بود که تقریباً نادیده انگاشته شود، به دیگر سخن واقعیت مفهومی خود را از دست داده و به موضوعی کلیشه ای تبدیل شده بود. ولیکن از قرن بیستم تلاش هنرمندان در آشناسازی این مضمون شروع گردید تا آن را از یک ثبات خفه کننده که فقط احساسی از یک آرامش عشای ربانی بر پایه ی تعهد به باورهای مذهبی مسیحیت را نمایان می ساخت، خارج سازند. بر این اساس در دوره ی معاصر به جای بازسازی شام آخر مسیح ، نوعی مکاشفه ی جدید که نشان دهنده ی پرسش های عمیق و پیچیدگی های قرن حاضر است ، در زمینه ی این مضمون قرار گرفته است، زیرا هنرمندان معاصر به دنبال انکار الگوهای سنتی مفاهیم مقدس مسیحیت در راستای شکست آن در جامعه ی چند پاره ی معاصر غرب هستند. «بر خلاف آموزه های اسلام، از نظر مسیحیت، صورت الهی علی الاطلاق، شکل انسانی مسیح است، بدین سبب در هنر غربی معاصر که ریشه در سنت مسیحیت دارد، همه ی مضامین اصلی بشری وابسته به برکت بهره گیری از نمادهایی از مسیح است، که این موضوع در مغایرت با هنر اسلامی هست از آن جهت که در هنر اسلامی، تجلی وحدت الهی در جمال و نظم عالم مد نظر است» (بورکهارت، 1390:12).

در این پژوهش سعی بر آن است در نگاهی اجمالی چندین نمونه از شام آخر که توسط هنرمندان معاصر هارالد دووه<sup>۱</sup> ، بن ویلیکینز<sup>۲</sup> ، هرمان نیچ<sup>۳</sup> ، ویلیام سیلبی<sup>۴</sup> ، والسناوویک<sup>۵</sup> انجام شده مورد بررسی قرار گیرد ، آثاری متفاوت از هنرمندانی متفاوت که تنها اشتراک آن شاید در نام نقاشی های آنها باشد. به همین منظور در این پژوهش قرار دادهای شخصی هنرمندان و دلالت ها و معانی ضمنی آنان از دین و فضای حاکم بر اثر آنها مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

1 - Duwe Harald  
2 - Ben Willikens  
3 - Hermann Nitsch  
4 - William selby  
5 - Vilasini Vivek

شام آخر: اثر هارالد دووه

تولد: بیست و هشتم ژانویه ی سال هزار و نهصد و بیست و شش میلادی / هامبورگ<sup>۱</sup>

مرگ: پانزدهم ژوئن سال هزار و نهصد و هشتاد و چهار میلادی ( حادثه ی راندگی )

ملیت: هنرمند آلمانی

اگر بتوانیم خود را از مرزهای سنتی آنچه که به شام آخر شباهت داشته و مضامینی که شام آخر را القاء می نماید، دور سازیم می توانیم به چیزی نزدیک شویم که در نقاشی هارالد می بینیم. هارالد مسیحی نبوده، ولی با این نقاشی خود به مخاطبان شوکی وارد می نماید و در ذهن آنها سوالی را در مورد ایده ی خود و نگرش جامعه ی غرب به دین و حضرت عیسی ایجاد می کند، با نگاه به اثر (تصویر 1) دوازده مرد کت و شلوار به تن را مشاهده می نمایم که به دور یک میز به تصویر کشیده شده اند. ظاهر نقاشی یک بحث و مناظره را نشان می دهد که توسط گروهی از دوستان صورت گرفته است، اما آنچه مد نظر است تعداد افراد در تصویر است که برابر با تعداد حوریان حضرت عیسی است. یک صندلی خالی در مرکز تصویر وجود دارد، اما آیا آن صندلی خالی، جایگاه حضرت عیسی است؟ با کمی دقت بر میز متوجه می شویم که غذای روی آن شامل بخش هایی از پیکر مسیح است سر او در کاسه ای بزرگ است، قلب او در بشقابی از قلع، یک دست گشوده و یک پای بریده و نقاش کلمات مربوط به مراسم عشای ربانی را به صورت تحت اللفظی تصویر کرده است که «پیکر مسیح تقدیم می شود تا صرف شود» (کراملین، 136:1386)، علاوه بر پیکر قطعه قطعه شده ی مسیح عناصر و نشانه های کاتولیک همانند نان و شراب نیز روی میز وجود دارد، در آیین مسیحیت «شراب نمادی از خون عیسی به شمار می آید و نان نمادی از بدن او، که این دو نماد قدرت نجات دهنده ی عیسی به شمار می روند» (هال، 125:1387).

شام آخر هارالد کمتر به یک مراسم دینی اشاره دارد، اما یک کیفیت محض مرتبط با موضوعی مثل یک شام ساده هم نیست بلکه صورتی از یک وام گیری نمادین است که بیانی اکسپرسیونیستی در جهت برانگیختن حس مخاطب و هدایت او به سوی تفکری ژرف به منظور بیان مبهمی از وضعیت جامعه دارد. هارالد با بیان ارزشی متناقض با شام آخر مسیحی، استعاره ای بارز را ارائه می دهد برای دنیای پس از جنگ آلمان، او با نگرش انتقادی خود بیننده را به چالش می خواند، از آن جهت که مخاطب به همراه آدم های تصویر شاهد واقعه ی آدم خواری و توحش مدرن جامعه ی مصرف گرا و مادی

<sup>1</sup> - Hamburg

معاصر است، علاوه بر مخاطب حضرت مسیح نیز خود شاهد خورده شدن خود است. هارالد در گفتگویی درباره ی این تصویر توضیح داده است که «انسان مدرن حاضر هر یک نمادی از یهودا<sup>۱</sup> هستند، از آن جهت که در مغرب زمین مسیحی پیکر مسیح درست به همین صورت قطعه قطعه شده است» (کراملین، ۱۳۸۶: ۱۳۶).



تصویر ۱: عنوان اثر شام آخر ۱۹۷۸، هارالد دووه (۱۹۲۶-۱۹۸۴)، تکنیک رنگ روغن

ماخذ (کراملین، ۱۳۸۶: ۱۳۷)

<sup>۱</sup> Judas در کتاب عهد جدید، شخصیت‌های مختلفی به این نام وجود داشتند. مهمترین آنها، یهودا اسخر یوطی است که یکی از حواریان بود و عیسی مسیح را در ازای سی سکه ی نقره لو داد.

شام آخر: اثر بن ویلیکینز

تولد: بیست و یکم ژوئن سال هزار و نهصد و سی و نه میلادی / لایپزیگ<sup>۱</sup>

ملیت: هنرمند آلمانی

این هنرمند آلمانی آثارش را در اتاق‌هایی همچون قفس، بدون نشانی از انسان در معرض نمایش قرار می‌دهد، اتاق‌هایی خالی به رنگ خاکستری با تکنیک اکریلیک که انسان را به یاد بیمارستان می‌اندازد. در اینجا لازم است دو نکته‌ی قابل‌تأمل که بر آثار این هنرمند تأثیرات ژرفی نهاده است، یادآوری گردد. «اولین نکته این است که این هنرمند آلمانی به علت بیماری یک سال در بیمارستانی بستری شد، حوادث و رخداد‌های او در طول این یک سال تأثیرات زیادی را روی فضای نقاشی او گذاشته، راه روهای خالی، بی‌روح با موضوعاتی مشابه همانند یک بیمارستان سرد، اتاق‌هایی کاملاً شخصی در رنگ‌های خاکستری که نقاشی‌های وی را به اوج خود رساند. اما نکته‌ی دوم این است که او نقاشی آلمانی است و این فضاها را نمادی از قدرت مطلق دیکتاتوری نازی‌ها می‌داند» (رک: [www.Benwillikens/deconarch.com](http://www.Benwillikens/deconarch.com)) فضا‌های عاری از وجود انسان در آثار وی که به رنگ خاکستری مصور شده، نمادی از مرگ و تخریبی است که به ناچار در کمین جامعه‌ی مدرن امروزی است، این مکان‌های ناشناس مکان‌هایی کاملاً خنثی هستند که در انزوای فردی توده‌ی جامعه‌ی بشری غربی قابل‌درک هستند.

در شام آخر ویلیکینز (تصویر 2) بیننده شاهد‌الگوی از نقاشی‌اشنای شام آخر لئوناردو داوینچی است که در غذاخوری صومعه‌ی سانتاماریا دل‌گراتسی<sup>۲</sup> میلان قرار دارد است. «بن‌ویکیلینز مدت سه سال نقاشی لئوناردو را در صومعه‌ی سانتاماریا دل‌گراتسی مورد مطالعه قرار داد سپس تابلوی شام آخر لئوناردو را با چاشنی شرایط معاصرش بازنمایی کرد» (کراملین 1386:138)، به دیگر سخن وی به جای یادآوری نکاتی که در کتاب مقدس مسیحیت در مورد شام آخر و وضعیت شاگردان مسیح بیان شده فقط از این نمونه‌ی مشهور تاریخی برای تصویرسازی شام آخر دوره‌ی معاصرش استفاده کرده است. این هنرمند آلمانی به منظور رسیدن به دیالکتیک خود که همان درک رابطه‌ی فضا و جهان و مقابله با فرهنگ رنسانس که در آن انسان مرکز همه چیز بوده عناصر روایت شام آخر داوینچی را حذف نموده، به گونه‌ای که در این نقاشی سه‌لته‌ای هیچ اثری از انسان دیده نمی‌شود. «شام آخر ویلیکینز در فضایی سرد اجرا گشته است، رنگ

<sup>1</sup> - Leipzig

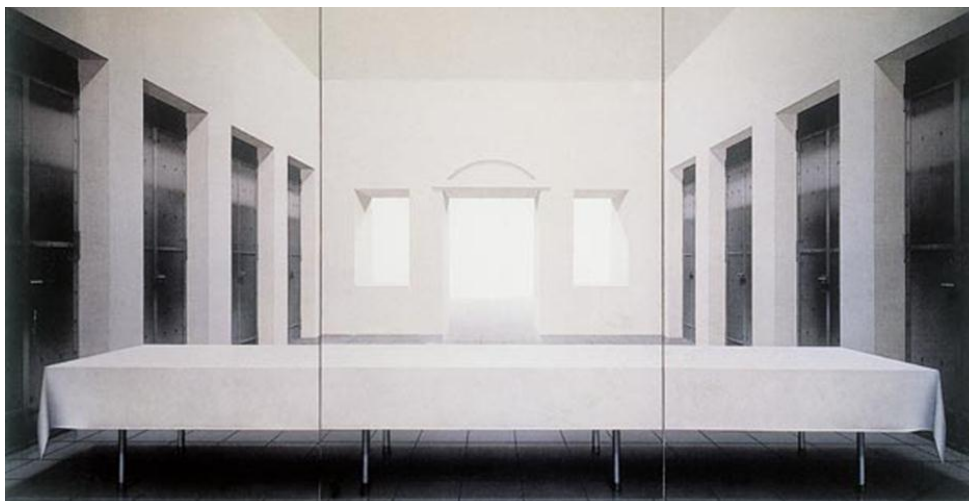
<sup>2</sup> - Santa Maria Delle Grazie

های خاکستری، تیره و روشن های تصویر، درب های آهنین، دیوارهای بتونی، کاشی های جدول بندی شده ی کف، پارچه ی سفید روی میز، پایه های فلزی میز، همه القاء کننده ی یک فضای سنگین است که تنهایی خاصی را می نمایاند،

که نشانی از تنهایی مسیح در جامعه ی غربی و تاکید بر این جمله ی او به شاگردانش است که یکی از شما به من خیانت خواهد کرد» (ر.ک: [www.Benwillikens/deconarch.com](http://www.Benwillikens/deconarch.com)). همانند انسان های معاصر جدا گشته از معنویت امروز که در نهاد هر کدام تمثالی از یهودا نهفته است. تقارن و عمق نمایی تصویر و نسبت های کلاسیک گونه ی اثر، فضای منزوی کلی حاکم بر نگاره نگاه یک هنرمند معاصر را که از فیلتر قرن به نقاشی لئوناردو نگریسته، نشان می دهد.

شام آخر این هنرمند آلمانی با توجه به دیدگاه فردی اش از لحاظ زیبایی شناسی دارای تضادهای اساسی با نقاشی لئوناردو است، نقاشی ویلیکینز فریاد اعتراضی خاموش است که با استفاده از عناصر تجسمی اثر همانند سلاح رنگ، درهای آهنی که فضا را به مشابه یک کارخانه درآورده است و از همه مهمتر حذف انسان که نوعی شمایل شکنی است، بیان گردیده است. در اثر او دیگر هراسی از خیانت یهودا نیست بلکه ترسی عظیم تر دیده می شود و آن حقیقت انسان قرن بیستم است. وی ترس و وحشت ناشی از بهیمیت و انسان زدایی نامنتظری را که حاصل جدایی از معنویت و ماشینی شدن است، را به تصویر می کشد از آن جهت که در آثارش نشانی از هیچ جاندارانی نیست به گونه ای که بمبی اتمی هر آنچه جاندار است را از میان برداشته و این فضاهای غریب شاهد فاجعه هستند.

تمرکز بن ویلیکینز بر روی معماری فضا و متافیزیک است که این خود تداعی کننده ی الهیات شمایل شکنی نیز است، او تمام شگردهای فریبنده ی لئوناردو داونچی را به یک نور متافیزیکی غیر قابل تعریف در فضای سیاه و سفید تقلیل می دهد، نقاشی شام آخر بن ویلیکینز نشان می دهد که صحنه ها همیشه در مطلق وجود دارند، اما بازیگران این صحنه ها همیشگی نیستند، حتی یهوداهای قرن نیز روزی نابود خواهند شد.



تصویر 2: عنوان اثر شام آخر 1979، بن ویلیکینز 1939، تکنیک اکریک

ماخذ (کراملین، 1386، 137)

### شام آخر: اثر هرمان نیچ

نام: هرمان نیچ

تولد: بیست و نهم، آگوست سال هزار و نهصد و سی و هشت میلادی / وین<sup>1</sup>

ملیت: هنرمند اتریشی

«عصر ما اخلاقاً بیمار است و بیماری هنر نیز بازتاب این بیماری اخلاقی است» (ستاری، 1376:105).

«هرمان نیچ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد هنرهای گرافیک از موسسه ی آموزشی و تحقیقاتی وین است وی عمدتاً صحنه های مذهبی را به صورت اکسپرسیونیستی بازنمایی می نماید، نیچ در آثارش یک زندگی سخت را نشان می دهد که برپایه ی مناجات نامه های کاتولیک ها است، اجراهای او بیشتر شبیه به انجام مناسک آیینی است که ماده ی مورد

<sup>1</sup> - Wien



استفاده در اجراهای او بیشتر بدن انسان و لاشه ی حیوانات ذبح شده و خون و رنگ قرمز به عنوان نمادی از خون است. او در کتابش با عنوان اسرار اصلی<sup>۱</sup> بیان می‌دارد که اجراهایش ابتدا در مخاطب نفرت، وحشت و سپس تصفیه و تزکیه ی نفس را به ارمغان می‌آورد» (ر.ک: [www.nitsch.org](http://www.nitsch.org)) این جمله ی نیچ ما را به یاد نظریه ی کاتارسیس<sup>۲</sup> ارسطو می‌اندازد. این هنرمند اتریشی به عمد تابوهای مسیحیت غربی را می‌شکند، گروهی از مسیحیان اقدامات او را توهین به مقدسات تلقی می‌نمایند، اما او معتقد است هدف از اجراهای نمادینش مانند ذبح کردن یک محتوای مذهبی به منظور نمایاندن مفهوم مصلوب شدن و مصیبت های وارده به مسیح و معصومیت او در جهت القای آن به زندگی انسان امروزی دارد، او از جنبه ی زیبایی شناسی به تحریک مخاطباننش می‌پردازد تا آلام و درد بشر معاصر دور از معنویت را به تصویر بکشد.

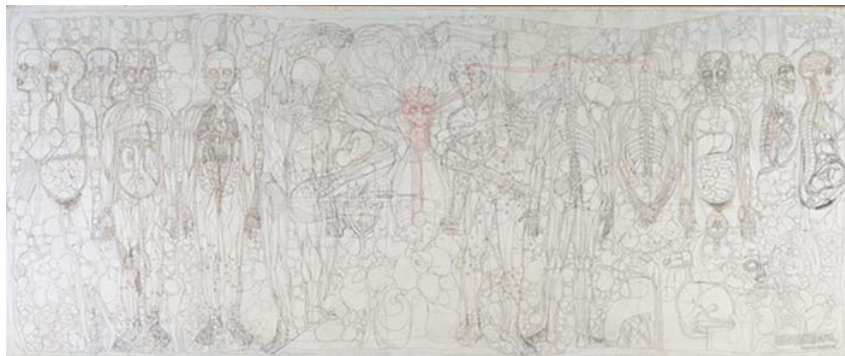
نقاشی شام آخر (تصویر 3) او برپایه ی نقاشی مشهور شام آخر لئوناردو داوینچی بازنمایی شده است، او بر خلاف بن ویلیکینز که انسانها را حذف کرده و فقط به بررسی متافیزیک فضا پرداخته، فیگورهای انسانی را حفظ کرده و تاکید خیلی کمی بر فضا نموده است.

این هنرمند خاص معاصر اتریشی سعی کرده است مفهوم خیانت، توبه و بخشش را در مراسم عشای ربانی، از دیدگاه شخصی خود مصور سازد، در این اثر سیزده پیکره ی انسانی به چشم می‌خورد، که رنگ قرمز پیکره ی مرکزی به گونه ای آن را جدا از سایر نموده است، این چهره ی جدا شده با رنگ قرمز، چهره ی مسیح است که در مرکز اثر به یک منبع انرژی زا مبدل گشته است، خنده ی تهی او ما را به یاد لبخند مرموز مونالیزای داوینچی می‌اندازد. چهره ها به گونه ای اند که به نظر می‌رسد ماسک هایی به شکل جمجمه بر روی آنها کشیده شده است. نکته ی بسیار مهم اثر این است که برعکس رسم معمول و گفته های کتاب مقدس مسیحیت، در شام آخر هرمان نیچ آخرین پیکره ی انسانی سمت راست یک خانم باردار است، اندام زنانه ی او و جنین داخل رحم آن کاملاً مشهود است. بنا بر آراء یونگ «این شخص سمبل فرافکنی عنصر مادینه هرمان در مکاشفه های پیامبر گونه اش است» (ر.ک: یونگ، 1384: 208).

<sup>1</sup> - Orgien\_Mysterien

<sup>2</sup> - katharsin ارسطو معتقد بود هنر موجب پالایش می‌گردد، و در بحث تراژدی بیان می‌دارد که سرنوشت قهرمان تراژدی موجب برانگیختن حس شفقت و هراس در مخاطب می‌گردد تا سبب پالایش و تطهیر نفس انسان گردد. ارسطو به تأثیرات روان شناختی هنر توجه کرده است.

در تمامی مکاشفه‌های معنوی این هنرمند تاکید فراوانی بر رنگ قرمز به عنوان نمادی از خون است. رنگ قرمز نشانه‌ای از سر حیات هست، که در ژرفا پنهان است، «خون در نزد مسیحیان نمادی از قربانی شدن مسیح هست که خود نشانی از رستگاری است» (هال، 1387:243) شمایل‌های هرمان نیچ بسیار پر معنا هستند و چشم‌های مخاطب را به سوی واقعیت‌هایی از روزگار جدا گشته از انسانیت فرا می‌خواند، این اثر بیانگر این نکته است که هنر مدرن چیزی را کپی نمی‌کند، حتی اگر مضمون شام آخر باشد چون هنرمندان معاصر همچون این هنرمند اتریشی در آثارشان خود و جامعه‌ی معاصر را به تصویر می‌کشند و اعتراض خود را بر علیه خشونت‌های انسانی بیان می‌دارند.



تصویر 3: عنوان اثر شام آخر 1938، هرمان نیچ 1976، تکنیک مداد

ماخذ: [www.nitsch.org](http://www.nitsch.org)

### شام آخر غزه: اثر و السانا واویک

تولد : سال هزار و نهصد و شصت و چهار میلادی / کرا لا<sup>۱</sup>

این هنرمند هندی از مضمون شام آخر که عمدتاً مربوط به فرهنگ غرب است، برای معنی کردن درد و نابرابری و ستم حاکم بر مردم فلسطین که مردمی جهان سومی هستند، استفاده می کند. هدف وی از به کار گیری این مضمون شاید برای بیدار کردن وجدان روشن فکران و هنرمندان غربی است، که بدانند چه فاجعه ی عظیم انسانی هر روزه در فلسطین رخ می دهد، این اثر فریادی است در برابر تضادهای عصر حاضر، شام آخر این هنرمند هندی (تصویر 4) بازنمایی است از شام آخر لئوناردو داوینچی که زنان محجبه مسلمان جایگزین پیکره های انسانی شام آخر لئوناردو شده اند. این زنان چادری صورت های خود را پوشانده اند، به گونه ای که فقط چشمان آنها بیرون است، این چشمان با مخاطب ارتباطی عمیق برقرار می کنند به منظور ادراک اجتماع ناآرام سیاسی، جنگ مذهبی، اشغال و خشونت که هر روزه علیه مردم غزه می شود.

فضای بسته ی پشت این زنان تداعی کننده ی یک ناامیدی محض از انسان روشنفکر غربی هست که در توهمی ژرف خود را پیرو عیسی مسیح پیام آور مهربانی ها می داند. این هنرمند هندی به ظرافت مفهوم ایمان و خیانت را در جهان معاصر به وسیله ی زنان فلسطینی که در اثر سکوت جهان یا بیوه شده اند، یا خواهرانی داغ دار و یا مادرانی دلسوخته که با حس مشترک اندوه و درد بر سر میزی که نمادی از آخرین شام مسیح هست، به تصویر کشیده است. و السانا واویک یک مفهوم نسبتاً غربی را با موضوعی که مربوط به خاورمیانه است ادغام نموده است، آیا هدف او از این اجرا این بوده که سکوت غرب را نشان دهد و خیانت آنها را در حق مردم غزه به تصویر بکشد؟ در شام آخر این هنرمند هندی نکته ای مهم وجود دارد و آن مصور سازی انار و تکه های نان بر سر میز است، نان نمادی از بدن مسیح است اما انار « از میوه های درخت مقدس و نمادی عیسوی هست که نشان رستاخیز و جاودانگی به شمار می آید، علاوه بر این انار نماد عفاف نیز است» (هال، 1387:277)، در قرآن کریم نیز «اشاره شده که انار یک میوه ی بهشتی و پرفایده است»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - Kerala

<sup>۲</sup> - فِيهِمَا فَالْكِهْمَةُ وَتَخُلُّ وَرُمَّانُ (الرحمان ، ۶۸)

شام آخر ولسانا واویک پیامی است به پیروان آیین مسیحیت؛ که انسان غربی معاصر نمی تواند به مضمون شام آخر مؤمن و سرسپرده بماند، مگر اینکه تضادها و تبعیض های آشفته ی جهان را در یابد.



تصویر 4: عنوان اثر شام آخر غزه 2008، ولسانا واویک 1964، تکنیک رنگ روغن

ماخذ: [www.johnym1.blogspot.com](http://www.johnym1.blogspot.com)

### نتیجه‌گیری

آنچه در روند بازنمایی هنرمندان مطروحه بیان شد، برجسته ساختن بحران‌های امروزه‌ی بشر در چارچوب مضمون آیینی شام آخر است. بازنمایی هر یک از نقاشان معاصر از مفهوم شام آخر نسبت به یکدیگر بسیار غریب است اما تمامی آنها در نقطه‌ای دارای اشتراک هستند و آن به چالش کشیدن این مضمون سنتی مسیحی در راستای معضلات امروزه جهان که ریشه در اضمحلال هویت بشری و تمدن‌ها دارد، است. به دیگر سخن آنان از این مضمون مذهبی جهت تلطیف و احیای مجدد روح بشری در جامعه‌ی غرب و ترویج مجدد معنویت در جهان بهره می‌جویند، از آن جهت که در ادیان الهی بر صیانت انسانها تأکید ویژه‌ای شده است. شاید هدف از تکرار این مضمون آشنا، آسان‌پسندی و جای‌گیری آن در کلیه‌ی سلیقه‌های اجتماع غربی دور افتاده از دین است، و برخی از هنرمندان آگاه با اشاره‌ی صحیح به این مفهوم سعی در القای این مهم دارند که دین تنها راه جهت‌یابی فرهنگ‌ها، قوم‌ها و ملت‌ها است. بنابراین امروزه این جامعه است که به این مضمون معنایی نو می‌بخشد به دیگر سخن مفهوم سنتی شام آخر در روزگار معاصر جای خود را به پارادایم جدیدی داده، پارادایمی که پایه‌های آن تحولات قرن حاضر به همراه چاشنی بیان فردی هنرمند در راستای بحران‌های معاصر است.

# دومین کنفرانس بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی

The Second International Congress of Religious Thought and Research

۱۴ مهر ۱۳۹۴

8-October-2015

## مراجع

- قرآن کریم، ترجمه و تصحیح دکتر طاهره صفارزاده، 1388، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اسوه.
- بورکهارت، ت، 1390، هنر مقدس، ترجمه: ستاری، جلال، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سروش.
- ستاری، ج، 1387، رمز اندیشی و هنر قدسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرکز.
- کراملین، ر، 1386، فراسوی ایمان هنر مدرن و تخیل مذهبی، ترجمه: اسلامی، مصطفی، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر
- هال، ج، 1387، فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه: بهزادی، رقیه، چاپ سوم، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- یونگ، ک، 1384، انسان و سنبلهایش، ترجمه: سلطانی، محمود، چاپ پنجم، تهران: انتشارات جامی. نشر جامی.

## اینترنت

[www.aicongallery.com](http://www.aicongallery.com)  
[www.Benwillikens/deconarch.com](http://www.Benwillikens/deconarch.com)  
[www.johnym1.blogspot.com](http://www.johnym1.blogspot.com)  
[www.haraldduwe.mht](http://www.haraldduwe.mht)  
[www.nitsch.org](http://www.nitsch.org)  
[www.redraggallery.co.uk](http://www.redraggallery.co.uk)